

به نام خدا

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست.....
- ۲..... چرا هیچ یک از رؤسای جمهور آمریکا، ایران را بمباران نخواهد کرد؟.....
- ۴..... بمب دولبه ایران.....
- ۶..... ایران: زمان می آید.....
- ۹..... بمبها را کنار بگذارید.....
- ۱۰..... پس از به دست آوردن بمب توسط ایران.....
- ۱۲..... گزینه‌های غرب برای ایران در چارچوب شبیه‌سازی.....
- ۱۳..... اروپا برای اطمینان از معامله با ایران چه می‌تواند بکند؟.....
- ۱۵..... کار خطرناک برای نتیجه بهتر.....
- ۱۷..... ضد حمله ایران.....
- ۱۹..... راه نادرست در قبال ایران.....
- ۲۱..... نگاه چین به برنامه هسته‌ای ایران.....
- ۲۳..... کشورهای خلیج فارس در سایه ایران.....
- ۲۴..... حمایت ساختاری در ایران: آثار طرح اصلاح اقتصادی بر روابط ایران و آمریکا.....
- ۲۵..... فقط مردم می‌توانند جلوی ایران را بگیرند.....
- ۲۷..... همبستگی آمریکا موجب تقویت انقلاب سبز ایران می‌شود.....
- ۲۹..... افزایش فشار آمریکا بر ایران.....
- ۳۱..... ایران و روابط ترکیه و آمریکا.....

ماهنامه کاوش (۳۴)

کد موضوعی: ۲۶۰

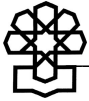
شماره مسلسل: ۱۰۱۸۹

فروردین‌ماه ۱۳۸۹

دفتر: مطالعات سیاسی



یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست آمده و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته برخی از مهمترین مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۳۴ ماهنامه کاوش مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و رویکردها و نگرش‌های مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال آن و سایر موضوعات جدید و مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه انتخاب و منعکس شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش در همین حال جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: چرا هیچ یک از رؤسای جمهور آمریکا، ایران را بمباران نخواهد کرد؟^۱

نویسنده: هنری بارکی و یوری دادوش

منبع: The National Interest^۲

با عبور از ضرب‌الاجلی که آمریکا برای پاسخ ایران به پیشنهاد هسته‌ای غرب گذاشته بود اینک دوباره شعار «همه گزینه‌ها روی میز است» شنیده می‌شود. جدای از تفاسیر سیاسی و استراتژیک درباره امکان و میزان موفقیت توسل به اقدام نظامی علیه ایران باید گفت که وضعیت اقتصادی غرب و به خصوص آمریکا اجازه چنین ضربه‌ای را نه به آمریکا و نه به اسرائیل نمی‌دهد. در واقع حمله نظامی به ایران به صورت مستقیم باعث بالا رفتن شدید قیمت نفت، افزایش چشمگیر قیمت بیمه کشتی‌ها و آسیب شدید به بازار بورس می‌شود. از دهه ۱۹۷۰ تاکنون شاهد پنج دوره افزایش قیمت نفت بوده‌ایم و هر بار نیز این افزایش قیمت باعث رکود اقتصادی جهان شده است. با توجه به وضعیت کنونی اقتصاد آمریکا و نرخ شدید بیکاری در این کشور، افزایش دوباره قیمت نفت تأثیر بسیار منفی بر اقتصاد داخلی، قدرت خرید مردم و در نهایت میزان رضایت سیاسی از عملکرد اواما می‌شود. اگر فقط این افزایش قیمت به مدت شش ماه طول بکشد انتظار می‌رود که فشار اقتصادی آن بر یک خانواده چهار نفره معادل مالیات سه هزار دلاری برای آنها باشد. همچنین این وضعیت موجب تقویت کشورهای تولیدکننده نفت، از جمله ایران، می‌شود. حتی اگر اسرائیل نیز بتواند حمله موفقی علیه ایران انجام دهد، آنگاه ضربه اقتصادی حاصل از آن برای اقتصاد جهانی قابل تحمل

1. Henri Barkey and Uri Dadush' "Why No U.S. President Will Bomb Iran", The National Interest, January 27, 2010.

۲. «منفعت ملی» از نشریات معروف نومحافظه‌کاران آمریکاست.



نخواهد بود و لذا در فضای بحران اقتصادی جهانی، کنار گذاشتن گزینه نظامی از روی میز و تمرکز بر تحریم‌های هدفمند، اهرم بهتری برای تقویت اجماع بین‌المللی علیه ایران است.



عنوان: بمب دولبه ایران^۱
نویسنده: آدام لوتر
منبع: New York Times^۲

با اعلام رسمی آغاز غنی‌سازی ۲۰ درصدی توسط ایران عملاً آشکار شده است که استراتژی آمریکا در قبال ایران به هیچ‌وجه دستاوردی نداشته است. اینک راه‌حل این نیست که سیاست را عوض کنیم بلکه باید نگاه خود را به ایران هسته‌ای و تهدیدهای برآمده از آن تغییر دهیم.

درواقع باید گفت که ایران مسلح به سلاح هسته‌ای دارای منافع منطقه‌ای برای آمریکا است. این منافع را می‌توان به شرح زیر برشمرد:

۱. با عینی شدن تهدید هسته‌ای ایران برای منطقه، نیاز آنها به چتر دفاعی هسته‌ای آمریکا واقعی می‌شود. آمریکا می‌تواند در ازای تأمین امنیت آنها خواستار اصلاحات داخلی در این کشورها شود و درواقع گروه‌های سنی عرب تروریست مثل القاعده را نابود سازد.

۲. با توجه به نیاز امنیتی آنها، آمریکا می‌تواند با اعمال فشار، آپک را بشکند و با مجبور کردن آنها به افزایش تولید، قیمت نفت را پایین آورده و تولید داخلی و صادرات ملی خود را افزایش دهد.

۳. تهدید هسته‌ای ایران صرفاً معطوف به اسرائیل نیست، بلکه فلسطین هم آسیب‌پذیر می‌شود و لذا احتمال صلح اسرائیل و فلسطین افزایش می‌یابد.

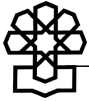
1. Adam b. Lowther, "Iran's Two – edged Bomb, New York Times. Feb 9, 2010.

۲. «نیویورک تایمز» از نشریات جناح دمکرات در آمریکا است.



۴. نیاز امنیتی جدید خاورمیانه منجر به رونق صنایع دفاعی و اشتغال آمریکا می‌شود.
 ۵. با مدیریت قیمت نفت، دولت‌های خودکامه خاورمیانه نیز درآمدشان کمتر می‌شود و حرکت خود به‌خودی به سمت جوامع دمکراتیک‌تر در خاورمیانه نیز آغاز می‌شود.

براساس این، با ظهور پویش‌های جدید منطقه‌ای در دوره ایران اتمی، نفوذ منطقه‌ای آمریکا در خاورمیانه نه تنها تضعیف نمی‌شود بلکه تقویت نیز می‌شود.



عنوان: ایران: زمان می‌آید^۱

نویسنده: افرایم اسکولا

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

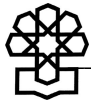
اگر دولت ایران در سال جاری با اوضاع نابسامان داخلی جدی‌ای مواجه نمی‌شد مسلماً از شرایط خود بسیار خرسند می‌بود زیرا که توانسته بود یک سال بحرانی دیگر را نیز در مسیر دستیابی به سلاح هسته‌ای به پایان رسانده و به هدف نهایی خود یعنی تولید سلاح هسته‌ای و توانمندی انتقال آن نزدیک‌تر شود. ازسوی دیگر ایران موفق شده بود تحریم‌های شدید غرب علیه خود را به تأخیر انداخته و مدیریت زمان را برعهده گیرد. اما چه عواملی سبب تحقق این شرایط برای ایران شده است؟ در این میان، به نظر می‌رسد که بسیاری از این عوامل، ارتباطی با ایران ندارند چنانچه مجموعه عواملی مانند انتخاب رئیس‌جمهور جدید آمریکا که اعتقاد به تعامل با ایران داشت، عدم تمایل آژانس انرژی اتمی برای اعلام هدف واقعی و نهایی ایران در ساخت بمب اتم، گزارش نهادهای اطلاعاتی آمریکا، عدم تمایل آمریکا به ائتلاف‌سازی علیه ایران و اجازه تداوم مذاکرات بی‌ثمر تروئیکای اروپایی با ایران و نگرش چین و روسیه به ایران در مقابله با تحریم ایران سبب تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران شدند. در این زمینه علیرغم مذاکرات غرب با ایران در مورد انتقال اورانیوم غنی شده آن - به‌منظور تأخیر در تولید بمب هسته‌ای توسط ایران - و بن‌بست مذاکرات پس از

1. Ephraim Escula, "Iran: The Time is Come", INSS Insight, No 158, January 25, 2010.

۲. «مؤسسه مطالعات امنیت ملی»، یکی از مراکز پژوهشی که به دنبال تأمین منافع رژیم صهیونیستی در خاورمیانه است.



توافق اولیه، ایران همچنان فعالیت‌های غنی‌سازی اورانیوم خود را ادامه داده و به‌نظر می‌رسد که این مسئله یک تاکتیک مدیریت زمان ازسوی ایران بوده است. ازسوی دیگر در پایان سال ۲۰۰۹ همچنان گزینه‌های مختلفی برای حل مسئله هسته‌ای ایران مطرح شده اما اتفاق خاصی نیفتاده است و همچنان فعالیت‌های هسته‌ای ایران علیرغم نارضایتی غرب ادامه دارد. این درحالی است که علیرغم عدم پذیرش طرح‌های مختلف توسط ایران، مدیرکل آژانس انرژی اتمی تأکید دارد که هنوز این طرح‌ها در جریان هستند. در این شرایط ممکن است ایران مجدداً تمایل به مذاکره برای رسیدن به یک راه‌حل جامع را به‌منظور تأخیر در فرآیند مذاکرات و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای خود مطرح کند. بنابراین اگرچه راه‌حل اصلی در قبال ایران، اعمال تحریم‌های قوی همه‌جانبه است، اما در مورد کیفیت و نوع آنها و شیوه اعمال آن، اجماعی وجود ندارد چنانچه مثلاً تحریم‌های اخیر که با تمرکز بر سپاه پاسداران تنظیم می‌شود اگرچه ارزشمند است و تأثیری بر مردم و مخالفین داخلی ندارد اما تنها با تمرکز بر تحریم سپاه، نمی‌توان این‌گونه فشارها بر ایران را مؤثر دانست. لذا تنها شیوه تحریم علیه ایران، اعمال تحریم‌هایی همانند تحریم‌هایی است که علیه برنامه‌های تسلیحاتی عراق وضع شده بود. درواقع نوعی تحریم نفت در برابر غذا و محدود کردن واردات ایران - بجز مواد خوراکی، پزشکی و کمک‌های بشردوستانه ضروری- باید اعمال شود زیرا که تحریم‌های ضعیف هرگز کارآمد نبوده و نخواهند بود، ازسوی دیگر، اگر این تحریم‌ها علیه برنامه هسته‌ای ایران وضع نگردد تنها راه مهار ایران، اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای آن است. این گزینه اگرچه خطرناک و غیرمطمئن است، اما در صورت موفقیت، می‌تواند برنامه هسته‌ای ایران را متوقف کند. در این میان، اگرچه به



احتمال بسیار، ایران به اقدامات تلافی‌جویانه‌ای علیه حملات نظامی به تأسیسات هسته‌ای آن دست خواهد زد و پس از چند سال مجدداً فعالیت‌های هسته‌ای خود را تقویت خواهد بخشید اما باید در نظر داشت که در صورت عدم تحقق گزینه‌های تحریم قوی و یا اقدام نظامی علیه ایران، در چند سال آینده شاهد یک ایران هسته‌ای خواهیم بود که به‌عنوان یک هژمونی منطقه‌ای در صدد تحمیل برنامه‌های خود در منطقه خواهد بود. این به معنای تغییر توزیع قدرت در منطقه، جنگ‌های جدید احتمالی و افول کامل هژمونی آمریکا در منطقه خلیج‌فارس خواهد بود و رژیم منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای نیز با آسیب غیرقابل جبران مواجه خواهد شد. بنابراین اگر هم‌اکنون تحریم‌های قوی علیه ایران اعمال شود این احتمال وجود دارد که ایران زمان لازم را برای اتمام فعالیت‌های هسته‌ای خود نداشته باشد و از وقوع تحولات ناخوشایند در آینده جلوگیری شود.



عنوان: بمب‌ها را کنار بگذارید^۱

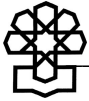
نویسنده: متیو کروئینگ

منبع: The new republic^۲

یکی از سؤالات اساسی که در موضوع تحریم ایران همواره تکرار می‌شود این است که علت اصلی عدم تمایل روسیه و چین در اعمال تحریم‌های سنگینی که مورد نظر آمریکا و هم‌پیمانان غربی‌اش است چه می‌باشد. معمولاً پاسخ تحلیل‌گران به این سؤال دو مسئله است: پیوندهای اقتصادی بین آنها و ایران و عدم درک واقعی تهدید اشاعه هسته‌ای. اما دلیل این امر بنیادی‌تر است. در واقع چین و روسیه از ایران مسلح به اتم احساس تهدید نمی‌کنند. به عبارت دیگر نگاه آنها در این مورد استراتژیک است به طوری که به باور آنها، ایران اتمی از این قدرت در خاورمیانه برخوردار می‌گردد که آزادی عمل آمریکا در تهدید دیگر کشورهای منطقه و یا اعمال قدرت در خاورمیانه را محدود کند و این امر در راستای منافع استراتژیک چین و روسیه است. این مزیت استراتژیک، به وضوح در استراتژی دفاع ملی آمریکا در سال ۲۰۰۸ بیان شده است. این در حالی است که روسیه و چین از چنین توانمندی جهانی بی‌بهره‌اند. لذا فروش تکنولوژی‌های پیشرفته هسته‌ای به ایران را صرفاً نمی‌توان براساس منافع اقتصادی تحلیل کرد. بنابراین، اینک باید گفت که این آمریکا است که پیامدهای استراتژیک ایران هسته‌ای را نمی‌فهمد نه روسیه و چین. لذا آمریکا در مصاف خود با ایران نباید منتظر همراهی دیگران بماند و باید خود دست به اقدام بزند.

1. Matthew Kroenig, "Bombs Away", The New Republic, February 9, 2010.

۲. «نیورپابلیک» از نشریات حوزه روابط بین‌الملل است.



عنوان: پس از به دست آوردن بمب توسط ایران^۱

نویسنده: جیمز لیندسی، ری تکیه

منبع: Foreign Affairs^۲

جمهوری اسلامی ایران مصمم است که دهمین قدرت اتمی جهان باشد. این مسئله سبب شده است برخی کشورها، حقوق بین‌المللی این کشور را به رسمیت نشناخته و در برابر آن جهت توقف غنی‌سازی اورانیوم مقاومت کنند. شورای امنیت سازمان ملل نیز چندین قطعنامه جهت منع غنی‌سازی اورانیوم صادر و ایران را موظف کرده که برنامه‌های هسته‌ای خود را برای آژانس انرژی اتمی به طور کامل توضیح دهد. حتی حمله نظامی به تأسیسات اتمی ایران تنها چند سال این برنامه را به تعویق انداخته و سبب می‌شود ایران جهت حرکت به سمت هسته‌ای شدن مصمم‌تر شود. برخی نیز تصور می‌کنند این امر سبب ایجاد شورش و ناآرامی در ایران شده و سبب سرنگونی حکومت می‌شود. با این حال، این امر قابل تصور نیست. در صورتی که برنامه هسته‌ای ایران به همین سرعت تداوم یابد ایران می‌تواند مواد لازم برای تولید بمب را در دوره ریاست‌جمهوری اوباما به دست آورد.

خطر ورود ایران به باشگاه هسته‌ای مشخص است: با اتکای به این امر، ایران به صدور تروریسم و دخالت در کشورهای همسایه و مواضع اسرائیل و آمریکا در منطقه خواهد پرداخت و خطر بروز جنگ متعارف و نامتعارف در خاورمیانه افزایش خواهد یافت و دولت‌های بیشتری تلاش خواهند کرد به باشگاه هسته‌ای وارد شوند،

1. James Lindsay, Ray Takeyh, After Iran Gets The Bomb, Foreign Affairs, Mar/Apr 2010.

۲. «نشریه امور بین‌الملل» از معتبرترین نشریات عرصه تحولات بین‌المللی است.



موازنه قوای ژئوپلیتیک در خاورمیانه برهم خواهد خورد و تلاش‌ها برای عدم اشاعه سلاح‌های هسته‌ای به سایر نقاط دنیا ناکام خواهد ماند. ورود ایران به باشگاه هسته‌ای شکست دیپلماتیک عمده‌ای برای آمریکا محسوب می‌شود و همه دوستان و دشمنان، قدرت آمریکا را زیر سؤال خواهند برد و منافع آمریکا به خطر خواهد افتاد.



عنوان: گزینه‌های غرب برای ایران در چارچوب شبیه‌سازی^۱

نویسنده: جفری وایت و لورینگ وایت

منبع: The Washington Institute for Near East Policy^۲

تا به حال مؤسسات علمی و آکادمیک، شبیه‌سازی‌های مختلفی در مورد منازعه هسته‌ای ایران و غرب انجام داده‌اند که از مهمترین آنها سه شبیه‌سازی توسط دانشگاه هاروارد و مؤسسه بروکینگز و همچنین مؤسسه مطالعات امنیتی اسرائیل است.

فصل مشترک این سه اقدام عبارتند از:

- آمریکا حمایت معناداری از دیگر کشورها علیه ایران به دست نمی‌آورد.

- تحریم‌ها تأثیرگذار نیستند.

- آمریکا تمایلی به توسل به حمله نظامی یا حمایت از حمله اسرائیل به ایران - حتی

پس از آنکه دیگر اقدامات هم بی‌نتیجه ماندند- ندارد.

- روابط آمریکا و اسرائیل به شدت رو به وخامت می‌گذارد.

- ایران به حرکت خود برای دستیابی به توانمندی سلاح هسته‌ای ادامه می‌دهد.

براین اساس، استراتژی غرب در قبال ایران نباید به مسیر ناکارآمد فعلی خود ادامه

دهد. در گام نخست باید مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این استراتژی، شاهد ورود ابتکارهای

جدیدی مثل حمایت از تغییر رژیم ایران باشد. همچنین آمریکا باید به صورت جدی گزینه

حمله نظامی را در دستور کار خود قرار دهد. در نهایت هم اسرائیل باید آماده باشد که

خود به صورت یکجانبه در برابر ایران اقدام کند و منتظر همراهی آمریکا نماند.

1. Jeffrey White and Loring White, "Serious Play: What Games Explore Options on Iran", The Washington Institute for Near East policy feb, 4.2010.

۲. «مؤسسه واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک» از مراکز مهم و ذینفوذ در حوزه سیاستگذاری خارجی در آمریکاست.



عنوان: اروپا برای اطمینان از معامله با ایران چه می‌تواند بکند؟^۱

نویسنده: متیولیت

منبع: Europe's world^۲

کشورهای غربی درحالی خود را برای چهارمین دور مذاکرات تحریم‌های چندجانبه علیه ایران به امید تغییر رویه این کشور در برنامه هسته‌ای‌اش آماده می‌کنند که شواهد جدید نشان می‌دهد که ایران همچنان به فعالیت‌های هسته‌ای خود ادامه می‌دهد. چنانچه در این زمینه در سپتامبر گذشته، تأسیسات غنی‌سازی پنهانی در نزدیکی قم کشف شد و گزارش اخیر آژانس انرژی اتمی نیز بر احتمال وجود سایت‌های هسته‌ای پنهان دیگری در ایران تأکید کرده است. در این شرایط آیا اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران درحالی که روسیه و چین نیز مواضع متفاوتی دارند - مؤثر است، ازسوی دیگر اروپا چه نقشی می‌تواند در این استراتژی علیه ایران ایفا کند؟ نویسنده با این مقدمه به بررسی وضعیت کنونی پرونده هسته‌ای ایران پرداخته و اقداماتی که تاکنون ازسوی آمریکا و اروپا صورت گرفته است را مورد ارزیابی قرار داده است. از نظر نویسنده، به نظر می‌رسد که تحریم‌های اقتصادی و اقدامات هدفمند مالی علیه ایران تاکنون نتوانسته است مانع از تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران شود، لذا علیرغم تأثیرات محدود تحریم‌ها، از یکسو باید تمرکز بر ابزار دیپلماسی و جلب همکاری همه‌جانبه با روسیه، چین، کشورهای خلیج فارس، آمریکا، اروپا و متحدان آسیایی باشد تا از این طریق با اعمال تحریم‌های چندجانبه، از فعالیت‌های پنهان ایران جلوگیری شده و رهبران ایرانی نیز به تجدیدنظر در مورد فعالیت‌های

1. Mathew levitt, "what Europ Can Do to Secure a Deal with Iran", Europe's world, Spring 2010.

۲. از نشریات معتبر در حوزه روابط بین‌الملل است.



هسته‌ای خود پردازند و آن را تهدیدی برای بقای نظام و نه تضمین حفظ آن بدانند و ازسوی دیگر با توجه به اینکه، مذاکرات و دیپلماسی به تنهایی نمی‌توانند مانع از تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران شوند بنابراین اروپا باید نقش مهمی را در این میان ایفا کند به‌گونه‌ای که از یکسو به دنبال تقویت اجماع بین‌المللی از طریق سازمان ملل برای تحریم ایران بوده و به‌ویژه مذاکرات دیپلماتیکی نیز با چین و روسیه برای تشدید تحریم‌ها انجام دهد و در این راه، مؤسسات مختلفی - مانند بانک ملت و ملی - که به حمایت از فعالیت‌های پنهانی ایران می‌پردازند را شناسایی کرده و شعبه‌های آن را تعطیل کند. ازسوی دیگر اروپا با همکاری با آمریکا، جامعه بین‌الملل را به سمت اعمال فشارهای مضاعفی بر سپاه پاسداران به‌ویژه قرارگاه خاتم‌الانبیاء وادار کند. همچنین گزینه‌های دیگری را نیز می‌توان به لیست تحریم ایران اضافه کرد که در این میان شرکت ملی نفتکش ایران - به‌دلیل کمک در فعالیت‌های غیرقانونی و پنهان نظام ایران - مطرح می‌شود - چنانچه این شرکت در سپتامبر ۲۰۰۸ به تجارت پنهان در انتقال تسلیحات به گروه‌های تروریستی متهم شد- ازسوی دیگر اروپا باید سایر کشورها را نسبت به معامله با ایران هشدار دهد و از مؤسسات مختلفی که به دنبال مقابله با حمایت مالی از تروریست‌ها هستند حمایت کند. همچنین اروپا می‌تواند تحریم‌های غیررسمی را علیه ایران تشدید کند و ریسک همکاری بخش‌های خصوصی با ایران را افزایش دهد. این مسئله به‌ویژه در حوزه بانکداری، بیمه، کشتیرانی و سایر صنایع باید صورت گیرد. در این میان با توجه به نیاز ایران به تکنولوژی غربی و نقش مهم اروپا در تأمین آن، اروپا می‌تواند نقش مهمی در این مسئله داشته باشد. بنابراین با فرض توسعه سریع فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اعمال تحریم‌های سخت مانند تحریم بنزین با توجه به عدم موفقیت سهمیه‌بندی بنزین در ایران، می‌تواند مؤثر باشد.



عنوان: کار خطرناک برای نتیجه بهتر^۱

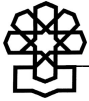
نویسنده: افرایم اسکولا

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

اخيراً ایران اعلام کرده است که فرآیند غنی‌سازی اورانیوم از ۳/۵ به ۲۰ درصد را آغاز کرده است. این اقدام اگرچه با ادعای تأمین سوخت نیروگاه تحقیقاتی تهران و غنی‌سازی محدود صورت گرفته است، اما برخلاف قطعنامه‌های آژانس انرژی اتمی و قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل است. با این وجود، ایران پس از بن‌بست مذاکرات انتقال سوخت هسته‌ای خود به خارج از کشور، نه تنها فعالیت‌های هسته‌ای غنی‌سازی ۳/۵ درصدی خود را ادامه داده بلکه در صدد تغلیظ ۲۰ درصدی آن نیز می‌باشد. اما با این حال، در مورد توانایی و تکنولوژی ایران برای تأمین این سوخت برای راکتور تهران تردید وجود دارد. زیرا که تنها فرانسه و آرژانتین توانایی تولید این نوع سوخت را دارند و این دو کشور نیز بعید است که با ایران به موافقت رسیده باشند. از سوی دیگر پیشنهادات معامله اورانیوم ۳/۵ درصدی به ۲۰ درصدی ایران و غرب، اگرچه ممکن است سبب کاهش ذخیره اورانیوم غنی شده در ایران می‌شد اما این میزان اورانیوم به سرعت قابل جایگزینی بود. بنابراین به نظر می‌رسد که دلیل اصلی ایران در عدم پذیرش این پیشنهاد، تنها مبتنی بر غرور ملی بود و گرنه ایران می‌توانست عملاً سوخت مورد نیاز راکتور تهران را تأمین کند. با این وجود و در هر

1. Ephraim Ascula, "Iran's Brinkmanship is playing off", INSS Insight, No.163, February 14, 2010.

۲. «مؤسسه مطالعات امنیت ملی»، یکی از مراکز پژوهشی است که به دنبال تأمین منافع رژیم صهیونیستی در خاورمیانه است.



حال ایران با بن‌بست مذاکرات، توجیه لازم را برای غنی‌سازی تا سقف ۲۰ درصدی را به دست آورد. بنابراین، با غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم در ایران، این کشور به عنوان کشوری که در آستانه توانمندی هسته‌ای می‌باشد محسوب می‌شود و با یک تصمیم‌گیری سیاسی برای ساخت بمب اتمی، قادر به ساخت سلاح هسته‌ای نیز خواهد بود که مسلماً از زمان تصمیم‌گیری تا زمان ساخت بمب نیز فاصله چندانی نخواهد بود. از سوی دیگر با بررسی پیشینه تعامل جامعه بین‌المللی با مسئله هسته‌ای ایران آشکار است که در صورتی که ایران به توانمندی غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم دست یابد نه تنها ایران در کوتاه‌مدت کشوری در آستانه دستیابی به سلاح هسته‌ای محسوب خواهد شد، بلکه ایران یک کشور دارای سلاح هسته‌ای خواهد بود. با توجه به این مسئله، اقدام جدید آمریکا برای استقرار موشک‌های جدید در خلیج فارس را می‌توان یک شاهد جدی برای آمادگی آمریکا برای چنین شرایطی دانست. این اقدام آمریکا می‌تواند نشان‌دهنده یأس و ناامیدی این کشور از متقاعد کردن ایران به توقف فعالیت‌های هسته‌ای آن و همچنین درک ناکارآمدی اقدامات دیپلماتیک و یا تحریم‌های شدید علیه ایران تلقی کرد. لذا اگر در شرایط کنونی، جهان سریعاً واکنش مؤثری در قبال غنی‌سازی ۲۰ درصدی اورانیوم توسط ایران انجام ندهد، زمان برای مهار ایران از دست خواهد رفت.



عنوان: ضد حمله ایران^۱

نویسنده: دیوید جانستون

منبع: Rand Corporation^۲

علیرغم عدم تمایل کلیه کشورهای جهان، تلاش ایران برای پیوستن به کلوپ کشورهای دارای سلاح هسته‌ای زمینه‌ای برای اقدام نظامی علیه این کشور را به وجود آورده است. در این شرایط از یکسو دولت اواما در حال تشدید همکاری‌های لازم با کشورهای حوزه خلیج فارس در این مورد می‌باشد و ازسوی دیگر اسرائیل نیز که یک ایران هسته‌ای را تهدیدی برای بقای خود می‌داند، بر ضرورت اقدام نظامی برای توقف این تهدید تأکید دارد. در این میان، مسلماً آزمایش‌های اخیر موشکی ایران نیز سبب تشدید تمایل اسرائیل به اقدام نظامی علیه برنامه هسته‌ای ایران شده است. با این وجود این سؤال وجود دارد که پاسخ ایران به حمله احتمالی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای آن که قطعاً با حمایت آمریکا صورت می‌گیرد چه خواهد بود؛ به نظر می‌سد که بستن تنگه هرمز اولین اقدام ایران خواهد بود که سبب افزایش قیمت نفت خواهد شد. همچنین ایران حمایت خود از تروریسم را تشدید خواهد بخشید و جنگ علیه غرب و به‌ویژه آمریکا و اسرائیل را آشکار خواهد کرد. این مسئله به‌ویژه در مورد حمایت ایران از ناآرامی‌ها در افغانستان و عراق و حمایت مالی و نظامی از آنان محتمل‌تر و نگران‌کننده‌تر خواهد بود زیرا که ایران سابقه بسیاری در مورد حمایت از گروه‌های تروریستی دارد چنانچه در این زمینه ایران از گروه‌های مختلف

1. David E. Johnson, "Iran's Counter – strike", Rand Corporation, February 25, 2010.

۲. «مؤسسه زندگی»، یکی از مهمترین مراکز پژوهشی وابسته به نومحافظه‌کاران آمریکاست.



شبه‌نظامی در عراق و لبنان حمایت کرده و حمایت‌های تسلیحاتی‌ای از سوریه و حزب‌ا... لبنان نیز داشته است. بنابراین مسلماً اگر ایران به تحریک آنان دست زند، سطح خشونت و منازعه افزایش خواهد یافت و این مسئله، ریسک و خطرات بسیاری را متوجه نیروهای ائتلاف و به‌ویژه سربازان آمریکا در عراق و افغانستان خواهد کرد. در این زمینه با مروری تاریخی بر موارد مشابه نیز باید به خاطر داشت که شدت تلفات نیروهای شوروی در اشغال افغانستان همزمان با واگذاری موشک‌های استینگر به مجاهدین افغان توسط آمریکا افزایش یافت؛ لذا هم‌اکنون نیز این شرایط می‌تواند بدون حضور مستقیم نظامی ایران و تنها با کمک‌های آن به تروریست‌ها در افغانستان برای آمریکا به‌وجود آید و جنگ داخلی‌ای مانند لبنان در عراق و افغانستان برپا گردد. این مسئله سناریوی بسیار مهمی است که آمریکا و اسرائیل باید قبل از حمله به ایران مدنظر داشته باشند.



عنوان: راه نادرست در قبال ایران^۱

نویسنده: لسلی گلب

منبع: Council on Foreign Relations^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی شیوه تعامل آمریکا با ایران پرداخته و دیپلماسی عمومی آمریکا را در قبال تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران ارزیابی کرده است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که اگرچه سیاست‌های هسته‌ای ایران به منافع آمریکا ضربه می‌زند و خطرات امنیتی بسیاری برای آمریکا دارد اما اقدام نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نیز مسلماً مؤثر نخواهد بود زیرا که این اقدام آمریکا، زمینه تضعیف جریان‌های میانه‌رو در داخل ایران و ایجاد بسیج عمومی علیه آمریکا می‌شود. بنابراین گزینه مناسب‌تر برای آمریکا تقویت متحدان خود در حوزه خلیج فارس و تلاش برای تضعیف نظام انقلابی ایران و به‌ویژه سپاه پاسداران به شیوه‌های پنهانی و عملیاتی است. در این زمینه اولین گزینه موجود، تأکید بر ارزش‌های آمریکایی و نقد سیاست‌های ایران در این زمینه است. (همان‌گونه که کلینتون، ایران را یک رژیم دیکتاتوری نظامی نامید و اوباما نیز سیاست‌های ایران در استفاده از خشونت و شکنجه را تقبیح کرد). این مسئله باید بارها و بارها تکرار شود و از این طریق حمایت آمریکا از جریان‌های میانه‌رو به شیوه غیرملموس تداوم یابد. با این وجود مسئله تغییر رژیم نباید مورد اشاره قرار گیرد زیرا که از این طریق، جریان‌های میانه‌رو تضعیف شده و اهداف آمریکا نیز محقق نمی‌گردد. از سوی دیگر

1. Leslie H. Gelb, "The Wrong Way on Iran", Council on Foreign Relations, February 21, 2010.

۲. «شورای روابط خارجی» مهمترین رکن تصمیم‌گیری در سیاستگذاری خارجی آمریکا محسوب می‌شود.



اگرچه این مسئله باید به یک باور در میان ایرانیان تبدیل شود که آمریکا درصدد کمک به آنان است؛ اما نباید حمایت ما علنی و آشکار باشد چنانچه ۲۵ روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشری در ایران تأکید کرده‌اند که همزمان با تشدید حمایت آمریکا از مخالفین و تصویب قانون کنگره در حمایت از آنان، روزنامه‌هایشان بسته شده و مدافعین دموکراسی به زندان افتاده‌اند. علاوه بر این بسیاری از مخالفین نیز درصدد تغییر رژیم نیستند بلکه خواهان ایجاد اصلاحاتی در ساختار آن و ایجاد یک دولت اسلامی دموکراتیک اصلاح شده هستند. بنابراین لفاظی آمریکا در مورد تغییر رژیم ایران به دلیل سیاست‌های هسته‌ای آن نتیجه معکوس دارد.



عنوان: نگاه چین به برنامه هسته‌ای ایران^۱

منبع: International Crisis Group^۲

با آشکار شدن فعالیت هسته‌ای ایران در سال ۲۰۰۹ در سایت نزدیک قم، روند پرونده هسته‌ای ایران وارد مرحله جدیدی شد. درحالی که کشورهای غربی به دنبال تحریم‌های بیشتر ایران بودند، چین به آسانی با این دسته همراه نشده است. چین مخالف اعمال تحریم‌های بیشتر بوده و معتقد است راه‌حل برنامه هسته‌ای ایران در گام اول دیپلماتیک است. چین معتقد است تا زمانی که ایران به پیمان NPT متعهد بوده و از برنامه هسته‌ای خود منحرف نشده است نباید از حق غنی‌سازی آن جلوگیری کرد.

چین نسبت به توانایی ایران جهت ساخت سلاح اتمی متقاعد نشده است و ازسوی دیگر تهدیدی از جانب موشک‌های دوربرد ایران احساس نمی‌کند. همچنین تحریم‌ها را راه‌حل مناسبی برای حل مسئله نمی‌داند. ازسوی دیگر منافع کلان انرژی خود در منطقه خاورمیانه و در رابطه با ایران را در این راه از نظر دور نمی‌دارد. ایران سومین کشور صادرکننده نفت خام به چین بوده و چین سرمایه‌گذاری کلانی در صنایع نفت و گاز ایران انجام داده است. اما منافع چین تنها اقتصادی نیست. روابط چین و ایران اهرمی جهت موازنه‌سازی و تعدیل نفوذ آمریکا در خاورمیانه است. نفوذ ایران در خاورمیانه و آسیای مرکزی می‌تواند به چین در جهت پیشبرد سیاست‌های این کشور کمک نماید. ازسوی دیگر هر دو کشور مخالف سلطه آمریکا

1. The Iran Nuclear Issue: The View From Beijing, 17 Feb 2010.

۲. «گروه بحران‌های بین‌المللی»، مؤسسه‌ای مطالعاتی که تحولات بین‌المللی در کشورهای مختلف را تحلیل می‌کند.



بوده و جبهه واحدی علیه غرب تشکیل داده‌اند. چین همواره سیاست تأخیر و تضعیف تحریم‌ها در سازمان ملل را پیگیری نموده است و تلاش نموده از شدت اقدامات تنبیهی علیه ایران بکاهد. البته اگر روسیه با تحریم‌ها هماهنگ شود چین برای جلوگیری از انزوا احتمالاً همکاری خواهد نمود و روابط خود با آمریکا را تحت‌الشعاع مسئله ایران قرار نمی‌دهد.



عنوان: کشورهای خلیج فارس در سایه ایران^۱

نویسنده: پاتریک نپ

منبع: Middle East Quarterly^۲

تعهد آمریکا به امنیت خلیج فارس به دلیل آنکه به کشورهای منطقه، اعتماد به نفس و توانایی مقابله با جاه‌طلبی‌های ایران می‌بخشد، حائز اهمیت است. بدون این تعهد، این کشورها با جمهوری اسلامی سازش خواهند کرد. برنامه هسته‌ای و نظامی ایران به این کشور توانایی تسلط بر منابع انرژی منطقه را می‌دهد. از این رو سیاست دولت جدید آمریکا نیز می‌بایست همانند دولت بوش تقویت امنیت در خلیج فارس باشد. این سیاست نباید تنها منحصر به فروش تسلیحات و ابهام مانورهای مشترک نظامی با این کشورها باشد بلکه می‌بایست شامل سیاست خارجی بلندمدت مبتنی بر روابط دوجانبه و تلاش در جهت احترام متقابل و اعلام دشمنی مشترک با ایران باشد. از سوی دیگر واشنگتن می‌بایست از گفتگوی امنیتی در خلیج فارس علیه جاه‌طلبی‌های ایران نیز استفاده نماید و همه کشورهای منطقه را متحد کند. اما اگر کشورهای منطقه تصور نمایند در نهایت آمریکا و ایران به مصالحه می‌رسند، آنها بجای اتحاد با یکدیگر علیه ایران تلاش خواهند کرد روابط خود با این کشور را بهبود ببخشند. در حال حاضر به نظر می‌رسد تحولاتی در این راستا در کشورهای منطقه خلیج فارس در حال تحقق است. لذا گفتگوی امنیتی در خلیج فارس با وجهه مصالحه با ایران تحقق‌پذیر نخواهد بود.

1. Patrick Knapp, "The Gulf States in the Shadow of Iran", Middle East Quarterly, Winter 2010, pp.49-59.

۲. «فصلنامه خاورمیانه»، نشریه‌ای علمی پیرامون تحولات منطقه است.



عنوان: حمایت ساختاری در ایران: آثار طرح اصلاح اقتصادی بر روابط ایران و آمریکا^۱

نویسنده: چارلی زروم

منبع: American Enterprise Institute^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی سیاست‌های حمایتی دولت ایران در راستای اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها و تأثیر آن بر روابط ایران و آمریکا می‌پردازد. وی معتقد است هر چند اعمال تحریم‌های بیشتر علیه ایران باعث تسریع در اعمال اصلاحات یارانه‌ای در ایران شده است؛ ولی با این وجود تلاش دولت جهت کسب قدرت سیاسی بیشتر و نیز تسلط بیشتر سپاه بر عرصه اقتصادی ایران از سوی دیگر بازتوزیع درآمدها و کاهش فشار بودجه‌ای نیز از دیگر انگیزه‌های اصلاحات اقتصادی بوده است. نویسنده معتقد است اجرای طرح هدفمند کردن یارانه‌ها، اقتصاد ایران را در تضاد با بخش‌های اقتصادی قرار می‌دهد که با سپاه مرتبط نیستند و سبب افزایش کنترل سپاه بر اقتصاد ایران می‌شود. از سوی دیگر دولت ایران می‌تواند با انجام این طرح به موافقان خود پاداش داده و مخالفان را مورد مجازات قرار دهد. نویسنده معتقد است تسلط سپاه بر اقتصاد ایران و نیز اجرای هدفمند کردن یارانه‌ها، اقتصاد ایران را در چند سال آینده بیش از اثر تحریم‌ها متلاشی می‌کند و بر مخالفان حکومت نیز اثر منفی می‌گذارد.

نویسنده در انتها دو سیاست را به دولت آمریکا در مورد طرح اصلاحات اقتصادی ایران پیشنهاد می‌کند: اولاً مقابله با دولت اقتدارگرای ایران در مورد حقوق مردم آن کشور و دیگری آمادگی جهت برخورد با اقتصاد از هم پاشیده این کشور.

1. Charlie Szrom, "Structural Patronage in Iran", American Enterprise Institute, Jan 28, 2010.

۲. «مؤسسه اینترپرایز» از نهادهای پژوهشی افراطی نومحافظه‌کاران آمریکاست.



عنوان: فقط مردم می‌توانند جلوی ایران را بگیرند^۱

نویسنده: ریچارد هاس

منبع: Times online^۲

در موضوع ایران، سه ساعت فعال هستند و کار می‌کنند. این سه ساعت عبارتند از: ساعت آزمایشگاه‌های هسته‌ای، ساعت مذاکرات دیپلماتیک و در نهایت ساعت آشوب‌های خیابانی. آینده ایران بستگی به این دارد که کدام یک از ساعت‌ها سریع‌تر حرکت کند. اکنون ساعت هسته‌ای سرعت بیشتری دارد و این احتمال وجود دارد که ایران نخواهد بمب اتمی داشته باشد، بلکه در آستانه توان هسته‌ای قرار بگیرد و از این «توانمندی» برخوردار گردد اما هر دو حالت آثار بی‌ثبات‌کننده منطقه‌ای خواهند داشت. به هر حال ایران نقطه کانونی ریسک جهانی است. اما ساعت دیپلماتیک آهسته حرکت می‌کند. آمریکا نمی‌خواهد ایران غنی‌سازی مستقل داشته باشد و خواهان سازوکارهای نظارتی قوی بین‌المللی بر فعالیت‌های هسته‌ای ایران است. اگرچه این استدلال قوی است، اما مشوق‌های آن کم است. تحریم‌ها نیز آنچنان که لازم است کارآمد نیستند و معلوم نیست که چه تأثیری بر ثبات یا تصمیم‌گیری رژیم ایران خواهند داشت. ایران در حال حرکت به سمت اقتدارگرایی سنتی است و سپاه بر آن سلطه دارد. بر این اساس لازم است که ساعت سوم یعنی اپوزیسیون نوظهور داخلی ایران را خود غرب فعال کند. آمریکا و اروپا نمی‌توانند حاشیه‌نشین باشند بلکه آنان

1. Richard Haass, "only one force can Stop Iran now", Times online, February.12, 2010.

۲. «تایمز آنلاین» از نشریات الکترونیک حوزه روابط بین‌الملل است.



باید به نفع مردم ایران صحبت کنند. در غیر این صورت باید منتظر یکی از دو پدیده نامبارک بود: قبول ایران مسلح به سلاح اتمی و یا حمله آمریکا و اسرائیل به ایران.



عنوان: همبستگی آمریکا موجب تقویت انقلاب سبز ایران می‌شود^۱

نویسنده: مایکل گرسون

منبع: Washington Post^۲

معمولاً واقع‌گرایان و آرمان‌گرایان در حوزه سیاست خارجی نگاه‌های متفاوتی دارند اما باید گفت که در مسئله ایران شاهد بروز نوعی همگرایی بین این دو نگرش فکری هستیم. در این میان، رئالیست‌ها صرفاً به رفتار خارجی دولت‌ها اهمیت می‌دهند اما ایدئالیست‌ها به ماهیت رژیم حاکم اهمیت می‌دهند. ریچارد هاس که یکی از واقع‌گرایان معروف است اخیراً گفته است که از نظر وی چون دستاوردهای تعامل با ایران اندک بوده است وی با توجه به تحولات داخلی ایران، قائل به نگاه آرمان‌گرایانه‌ای به ایران شده و از تغییر رژیم ایران حمایت می‌کند. من نیز به‌عنوان یک آرمان‌گرا بر این باور هستم اما همیشه تغییر رژیم از نوع عراق نیست، بلکه حکومت‌های آپارتاید آفریقای جنوبی و لهستان نیز عملاً تغییر رژیم یافتند. جنبش مخالف ایران نیز روبه رشد است اما با این حال رهبری آن آگاهانه نیست و بیشتر مسائل را به‌صورت تصادفی هدایت می‌کند، تاکتیک‌های آنها اندک است و پایگاه اجتماعی آنها نیز محدود است. اما به هر حال آنها نیازمند زمان هستند. اما آمریکا نیز اقدامات محدودی می‌تواند در حمایت از آنها از جمله تحریم بین‌المللی سپاه، تلاش برای دسترسی آزاد به اینترنت، حمایت‌های مالی مخفی از آنها و استقرار سپر دفاع موشکی در منطقه انجام دهد. با این حال

1. Michael Gerson, "U.S Solidarity Could Boost Iran's Green Revolution", The Washington Post, Feb.3,2010.

۲. «واشینگتن‌پست» از مهمترین روزنامه‌های جناح جمهوریخواه در آمریکاست.



به‌نظر می‌رسد مهمترین اقدام لازم توسط آمریکا این است که به اپوزیسیون ایران اثبات کند که آنها تنها نیستند و حامی بین‌المللی دارند، لذا تمرکز بر نقد وضعیت حقوق بشر ایران باید به‌صورت جدی در دستور کار دولت اوپاما قرار بگیرد. این مسیر آرمان‌گرایانه تنها راه واقع‌گرایانه موجود است.



عنوان: افزایش فشار آمریکا بر ایران^۱

نویسنده: پتر اشپیگل

منبع: Well Street Journal^۲

نویسنده در این مقاله می‌نویسد: اتهامی که هیلاری کلینتون وزیر امور خارجه آمریکا در مورد تبدیل ایران به یک دیکتاتوری نظامی تحت کنترل عوامل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مطرح ساخت ابراز علنی نتیجه‌گیری‌هایی است که مقامات آمریکایی و مشاوران دولت آمریکا ماه‌ها در جلسات غیرعلنی مطرح می‌ساختند. مقامات ارشد آمریکایی می‌گویند دولت آمریکا با علنی ساختن این نتایج در جلساتی توجه‌برانگیز در خلیج فارس احتمالاً می‌تواند اذهان جهانی را علیه این گروه به‌خصوص از نظامیان به‌گونه‌ای جلب کند که تاکنون نتوانسته علیه رهبران مذهبی حکومت ایران به‌کار گیرد. مقامات آمریکایی تصدیق می‌کنند که زیر ذره‌بین گذاشتن سپاه در عین حال به واشنگتن امکان می‌دهد تشکیلاتی را هدف بگیرد که از طریق افراد خود، مسئولیت سرکوب معترضان به انتخابات ریاست‌جمهوری را برعهده دارد. دولت آمریکا ماه‌ها با این انتقاد مدافعان حقوق بشر روبه‌رو است که از ناراضیان ایران با صدای قوی حمایت نکرده است. مقامات ارشد آمریکایی در نهادهای مختلف، از وزارت خزانه‌داری گرفته تا وزارت دفاع استدلال می‌کنند گرچه رشد نفوذ سپاه در تهران در طی چند دهه حاصل شده است؛ اما اعتراض‌های گسترده در پی انتخابات ریاست‌جمهوری رهبران ایران را مجبور کرده تا برای حفظ قدرت بیشتر بر نیروهای امنیتی آنان تکیه کنند.

1. Peter Spiegel, Pressure on Iran Increases from U.S, Wall Street Journal, Feb 2010.

۲. «وال استریت ژورنال» پرشمارگان‌ترین روزنامه آمریکاست.



ژنرال پترائوس فرمانده نیروهای آمریکایی در خاورمیانه می‌گوید: سپاه در داخل کشور و نیروهایی در خارج از ایران، امکانات خود را برای نفوذ عمیق‌تر در ساختارهای قدرت به‌کار گرفته‌اند.



عنوان: ایران و روابط ترکیه و آمریکا^۱

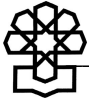
نویسنده: عمر تاسپینار

منبع: Brookings^۲

به نظر می‌رسد واشنگتن به شدت از ایران سرخورده شده و سیاست خود را از تعامل به اجبار تغییر داده است. در واقع این سیاست، احیای اعمال نوعی تحریم‌های هوشمند علیه مقامات ایران است که از طریق اعمال آنها به مردم آسیبی نرسد. روابط ایران و ترکیه سیاست‌های آمریکا در منطقه را به خطر می‌اندازد. ترکیه روابط مستحکم اقتصادی خصوصاً در زمینه انرژی با ایران دارد. حجم روابط اقتصادی ایران و ترکیه ده میلیارد دلار در سال بوده که پیش‌بینی می‌شود در سه سال آینده دو برابر شود. در نتیجه ترکیه مخالف تحریم‌های غرب علیه ایران است. نظر ترکیه به دلیل عضویت در شورای امنیت سازمان ملل تا سال آینده حائز اهمیت است. ترکیه به اندازه اسرائیل و آمریکا از برنامه هسته‌ای ایران نگران نیست چرا که این کشور بیشتر نگران بی‌ثباتی در منطقه است و تهدیدی از جانب ایران احساس نمی‌کند. از سوی دیگر معلوم نیست ترکیه تا چه اندازه با اعراب سنی در مورد تهدید هلال شیعی ایران همفکر باشد. از سوی دیگر به نظر می‌رسد ترکیه نسبت به سیاست‌های آمریکا در مورد ایران دچار سردرگمی شده است، زیرا که معلوم نیست که سیاست آمریکا در مورد ایران تغییر رژیم یا تغییر سیاست‌های این کشور است. رابرت کاگان معتقد است سیاست تغییر رژیم ایران پس از تحولات انتخابات ریاست‌جمهوری

1. Omer Taspinar, Iran and Turkish – American Relations, Brookings Institute, February 2010.

۲. «مؤسسه بروکینگز» از نهادهای علمی پژوهشی آمریکایی است.



محمول‌تر به نظر می‌رسد و در صورتی که اوپاما تحریم‌ها را شدت بخشیده و رهبران غربی نیز از آن حمایت کنند و برای اصلاح‌طلبان اطلاعات و ابزارهای ارتباطی بهتر تدارک ببینند احتمال تغییر در ایران بیشتر است. در صورتی که دولت اوپاما به توصیه کاگان گوش فرا دهد باز هم واکنش ترکیه در قبال ایران معلوم نیست. آنچه روشن است آنکه ترکیه یک دولت طرفدار حفظ وضع موجود بوده و به دنبال ایجاد تغییر در آن نیست.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۱۸۹

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۴)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۹/۱/۲۹